

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی شهادت امام رضا (ع)

۱ شهریور ۱۴۰۴

ستایش خداوندی را سزااست که آفرینش را به نور ولایت آراست و هدایت بندگان را به دستان پاک اوصیای خویش سپرد؛ آنان که ستارگان هدایت‌اند در شب‌های ظلمانی زمین و درود بی‌کران بر رسول رحمت، حضرت محمد مصطفی (ص)، آن مشعل فروزان هدایت در دل تاریکی و نجات‌بخش انسان‌ها از وادی جهل و ظلمت.

سلام و برکات الهی بر هشتمین حجت خدا، علی بن موسی‌الرضا (ع) آن‌که رضایت پروردگار در سیمای مبارکش جلوه‌گر بود و فروغ نگاهش روشنی‌بخش راه عاشقان و جویندگان طریق حقیقت. آخرین روز ماه صفر یادآور شهادت امامی است که آینه‌ای از حلم و حکمت بود و تجلی رأفت الهی در روی زمین. سخنش نور بود و سکوتش سرشار از معرفت. امامت ایشان هم‌زمان بود با خلافت یکی از مکارترین خلفای عباسی.

مأمون؛ خلیفه‌ای که با چهره‌ای فریبنده و شعار دین‌داری، در پی آن بود تا امامت را در سایه قدرت خود قرار دهد. او با نیرنگ و فشار، امام رضا (ع) را از مدینه، به اجبار راهی خراسان کرد؛ هجرتی تحمیلی که در پس آن، هدفی جز مهار نور امامت و خاموش ساختن صدای حق نبود. اما در پس این کوچ مبارک مشیت الهی و تدبیر بلند امامت نهفته بود و مضامین و معارفی والا و بزرگ که از زبان شیوای خودشان به گوش جان می‌شنویم ایشان در مورد هجرتشان از مدینه فرمودند:

سلام بر آغاز و پایان زمان و آنچه در آن به‌عنوان حق باقی می‌ماند. هجرت من از مدینه و حرکت به‌سوی مأمون با گذشت زمان شروعی بود در اختلاف در اندیشه‌ها. چگونه ممکن بود که امام از مدینه خارج شود؟ خلیفه‌ای که حکمران زمین و آسمان است پس اسرارش هرگز فاش نشد من آمدم چون به دستور عمل نمودم که در واقع رمز بندگی در اطاعت از فرامین پروردگار کریم است. امامت دوازده مأمور آسمانی رحمتی است که مانند بارانی به وقت بر مردمان عصر خویش می‌بارد تا جان‌ها را به

بهشتی مژده دهد که همواره در انتظارشان است و حاصلش در زمان جاودان می‌شود. زمان، زبان گویایی دارد که حق و باطل را در آینه گذشته و آینده به تصویر می‌کشد آنچه در گذشته بوده در پذیرش همان زمان در خاطره‌ها باقی می‌ماند ولی آنچه در زمان حال در جان‌ها در جریان است میزان سنجش عملکردها می‌شود و مشخص می‌کند کدام راه حق بوده و توانسته تا حق‌مداران را با خود همراه نماید تا در زمان جاودانه باقی بماند.

پس باید دید حق‌مداران عصر فرزندم مهدی (عج) به دنبال کدام هدف در حرکت هستند؟ آیا به دنبال دولت حقه می‌روند و در این راه از هر آنچه دارند می‌گذرند؟ مانند کسانی که همواره به دنبال امامت از هر آنچه داشتند کوچ کردند تا سعادت را نصیب خود کنند که زمان ودیعه دارش است یا هدایت امامت را تنها در اندیشه‌هایشان می‌پسندد نه در عمل‌هایشان. عمل‌هایشان را مختص به خود می‌دانند و عشق و علاقه‌هایشان را در قلب‌هایشان محفوظ می‌دارند ولی در واقع آنچه پسندیده است و مورد قبول، عملی است که به چراغ امامت روشن شود.

امام عصر (عج) ناجی همه دوران‌ها است تا قیامت و کسانی که به دنبالش در حرکت هستند به مقصدی می‌رسند که در عملشان ذخیره می‌شود نه در مودتشان. پس بایستی از فرامین امامت اطاعت کنند تا بتوانند با امام همراه شوند، در سختی‌ها قرار گیرند و در عمل مودت خویش را به اثبات برسانند، با دشمن که همان باطل است همواره در جنگ باشند تا حق پیروز شود و چهره‌ی آنان تا دولت حقه در حق‌مداری‌شان بدرخشد. منتظران حقیقی در عمل منتظر حق هستند نه در دعا و نیایش و عشقی ظاهری به امامشان. دعا و نیایش در واقع راه را برای عمل باز می‌کند نه برای اتمام حجت. پس آنچه حق است می‌ماند و آنچه باطل است ظاهر زیبایی دارد که کف روی آب است.

بله چه زیبا و باشکوه در کلام ایشان زمان‌ها به هم پیوند می‌خورد و ما نیز در پی جریان‌ات گذشته می‌توانیم معرفت شناخت و هم مسیری با امامت را بیابیم. امام رضا (ع) آفتاب تابانی است که در دل تاریخ می‌درخشد و وجودش چراغ هدایت برای

شیعیان است. حرم مطهرش نه تنها یک مکان جغرافیایی بلکه معراجی است برای مؤمنان. زیارت ایشان در واقع آغوشی برای پذیرش درختان خشکیده‌ای است که به دنبال آب حیات می‌گردند. ایشان در این مورد نیز خطاب به زائران بارگاه متبرکشان می‌فرمایند:

جسم من در خاکی به امانت است که هدایت‌م در آن تا قیامت به همراه رهروان باقی می‌ماند آنان که به دنبال هدایت‌م باشند از ظاهر آنچه ساخته شده می‌گریزند و به دنبال عمل امامت به عملشان اضافه می‌کنند از فرامین امامت اطاعت می‌کنند و جانشان را در بهشتی که روح و جسم امام در آن قرار دارد به گردش درمی‌آورند پس در حقیقت به خدمت امام می‌رسند اگرچه او را در ظاهر نمی‌بینند؛ مانند امت آخرین امام که حرارتش در قلب‌ها حس می‌شود و هدایتش در عمل‌ها قرار می‌گیرد ایشان گرچه در ظاهر در کنار امتشان نیستند ولی در قلب‌ها و جان‌ها حکومت می‌کنند و کسانی که در عملشان او را بجویند تا قیامت نشان چهره‌شان جاودان باقی می‌ماند.

پس در تمام زمان‌ها تا قیامت مأموران الهی در یک نقش در جان‌ها حضور دارند و آن نقش، حقیقت عمل است. آن کس که در عملش مودتش می‌درخشد هرگاه به خانه‌ی امام سفر کند آن‌چنان جانش در بهار زنده شدن قرار می‌گیرد که نشاطش در جانش به ودیعه باقی می‌ماند.

مکان‌هایی که در آن جسم امام به امانت است خانه‌ی امام است که حق‌مداران را به بهترین رنگ و بو می‌آراید و نامش زیارت است و زائران با تمام مشکلاتی که دارند مهمان خانه‌ی امام می‌شوند و او با غذایی که روح طالب آن است از مهمانانش پذیرایی می‌کند، همانند خانه‌ی فرزندان مهدی (عج) که پذیرای حق‌مدارانی است که چهره‌هایشان تا قیامت در زمان‌ها می‌درخشد تا همگان دریابند که شهدای کربلا همواره در تمام زمان‌ها یاورانی را به همراه داشته‌اند که با تمام ثروتشان به دنبال حق رفته‌اند و این لطفی است که هیچ شکری از عهده‌ی حساب و کتابش بر نمی‌آید و پروردگار وعده فرموده هر کس را که بخواهد بی‌حساب روزی می‌دهد. آنچه که مهمانان این خانه‌ی با عظمت از جان کوثر هستی می‌شنوند همان روزی بی‌حساب

پروردگار عالم است که در عمل‌هایشان نمی‌گنجد و تنها زمان امانت‌دارش می‌شود تا جاودان باقی بماند. امام (ع) با این سخن تأکید دارند که جسمشان گرچه در خاک سپرده شده، اما هدایت و حقیقت امامتشان فراتر از زمان و مکان است و تا قیامت باقی خواهد ماند.

آری، زیارت یعنی ورود به خانه‌ی نور و جان سپردن به بهاری که از حضور امام می‌جوشد؛ جایی که روح، شکوفا و سبک‌بال می‌شود و نشاط آن تا همیشه در جان زائر باقی می‌ماند.

اکنون بر آستان رحمتشان پناهنده می‌شویم تا شفاعتشان سایه‌گستر جانمان گردد و هدایتشان چراغ راه زندگی‌مان شود و از محضر شریفشان درخواست داریم که برایمان دعا کنند که قدر لحظات و زمان‌هایی را که مهمان این خانه‌ی با عظمت می‌شویم را بدانیم و ثروت و روزی بی‌حسابی که پروردگار نصیبمان کرده را در بازار دنیا به فروش نرسانیم. به امید اجابتش فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج